

## نقش سیاست خارجی بر روند جذب گردشگر در چشم‌انداز ۱۴۰۴

عباس ایمانی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

علی بیژنی<sup>۱</sup>

استادیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

رضا تاجفر

استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه امام علی (ع)، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰

### چکیده

این تحقیق با هدف نقش سیاست خارجی بر روند جذب گردشگر در چشم‌انداز ۱۴۰۴ انجام پذیرفته است. با توجه به اهمیت جذب گردشگران در کشور و شناخت عوامل موثر بر آن در راستای سند ۱۴۰۴ به منظور دستیابی به توسعه گردشگری پایدار و کسب رتبه‌های برتر گردشگری بررسی سیاست‌های دولت بویژه در حوزه خارجی دارای ضرورت فراوانی است که در این تحقیق مورد بحث و بررسی علمی قرار گرفته است. این تحقیق به روش کیفی انجام شده و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از مصاحبه‌های متمرکز با صاحب‌نظران و بهره‌گیری از اسناد و مدارک معتبر گردآوری گردیده و با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی نسبت به تجزیه و تحلیل اطلاعات اقدام شده است. در نتیجه نهایی تحقیق میتوان گفت که بر اساس نظر صاحب‌نظران همسویی سیاست خارجی کشور با روند جذب گردشگران در حد متوسط رو به پایینی بوده و سیاست خارجی صحیح و درست دولت در قبال سایر کشورها تاثیر زیادی بر روند جذب گردشگران فرهنگی، تاریخی، دینی و سلامت دارد.

**کلید واژه‌ها:** گردشگر، سیاست خارجی، گردشگری سلامت، گردشگری دینی، چشم‌انداز ۱۴۰۴

## مقدمه

آنچه بیش از هر مورد دیگری در در صنعت گردشگری و جذب گردشگر نقش ایفا می‌کند علاوه بر وجود زیرساخت های رفاه، قوانین روشن، ساده و تسهیل کننده ورود گردشگران و وجود امنیت فردی، گروهی، سیاست خارجی کشور است. اگر چه نبود امنیت و قوانین دست و پا گیر به عنوان یکی از مهمترین موانع گردشگری است ولی عملکرد سفرا و سفارتخانه ها در خارج کشور به عنوان رکن اصلی پذیرش گردشگر به شمار می آید؛ و نقش بارز تری در روند جذب گردشگر بر عهده دارند چراکه به دلیل ارتباط و برخوردی که دفاتر خارج از کشور با صنعت توریسم دارند میتوانند به تناسب با استفاده از قوانین ساده تر در حوزه پذیرش ایفای نقش نمایند. وزارت امور خارجه به رغم اینکه «دروازه بان توریسم» به شمار می آید، اما متأسفانه آنچه در این حوزه مشاهده شده جزیره ای و مستقل عمل کردن بوده است. موانع سخت در پیش راه گردشگر و عدم خلاقیت در برابر گردشگران خارجی که در سال های اخیر تمایل به دیدار از ایران دارند و داشته اند، موجب شده ایران نتواند به اهدافش در برنامه های پنج ساله دوم و سوم توسعه درخصوص جذب توریسم دست یابد و همچنان در این عرصه ناتوان باشد. از بعد دیگر هم وزارت امور خارجه به دلیل کم توانی در ارتباط برقرار کردن با دستگاه ها، سازمان ها و وزارتخانه های مرتبط با جهانگردی از جمله وزارت کشور، فرهنگ و ارشاد اسلامی و راه و ترابری نتوانسته کارنامه قابل قبولی ارائه دهد. ولی به رغم دست نیافتن به دستاوردهای برنامه سوم توسعه در عرصه توریسم باز هم در چشم انداز بیست ساله کشور بلندپروازانه و به شکل دستوری اقدام کرده ایم. به طوری که باید در سال پایانی افق برنامه ۲۰ میلیون گردشگر را پذیرا باشیم.

امروزه در دنیا شیوه تکلیفی و الزامی در برنامه ها منسوخ شده و کشورها نخست زیرساخت هایشان را آماده می کنند، بعد اهداف را تعیین می نمایند. در این حالت (در کشورهای توسعه یافته) اگر قانونی هم به تصویب برسد، به علت آماده بودن زیرساخت ها، قانون مشکل ضمانت اجرایی نخواهد داشت. به طور کلی آماده کردن پیش زمینه و بسترسازی مناسب موجب می شود برنامه به صورت نیمه کاره یا شکست خورده رها نشود. با توجه به این سند یکی از مسائل مهم و ضروری در این زمینه این است که با وجود باقی ماندن یک پنجم از زمان پایان اجرای این سند، تاکنون در جذب گردشگر در کشور توفیق چندانی نداشته‌ایم و گردشگران زیادی وارد کشور نمی شوند. همچنین با وجود زمان زیادی از تصویب این سند هنوز مفاد بسیاری از محتوای این سند ۱۴۰۴ در کشور اجرایی نشده و در بحث جذب گردشگر نیز موفق نبوده ایم و شناخت عوامل موثر بر این رخداد مانند سایت خارجی دارای اهمیت فراوانی بوده و میتواند کمک شایانی به توسعه صنعت گردشگری در کشور گردد. در این زمینه میتوان گفت سیاست خارجی کشور در جذب گردشگر بر مبنای اهداف سند چشم انداز ۱۴۰۴ مبنی بر تبدیل شدن ایران به یکی از بیست مقصد برتر جهان بر اساس شاهد و مدارک ارائه شده از روند جذب گردشگران ناموفق بوده چرا که این سیاست در راستای اهداف گردشگری سند چشم انداز ۱۴۰۴ نبوده است و بر اساس نظر جناح های حاکم بر اوضاع سیاسی کشور عمل شده است. بر این اساس سوال اصلی در این تحقیق اینچنین مطرح شده است: سیاست خارجی کشور چگونه میتواند صنعت گردشگری را بر مبنای اهداف سند چشم انداز ۱۴۰۴ به یکی از بیست مقصد برتر جهان تبدیل نماید؟ همچنین بر این اساس فرضیه تحقیق نیز اینچنین مطرح می باشد: به نظر می رسد سیاست خارجی کشور در جذب گردشگر بر مبنای اهداف سند چشم انداز

۱۴۰۴ مبنی بر تبدیل شدن ایران به یکی از بیست مقصد برتر جهان ناموفق بوده چرا که این سیاست در راستای اهداف گردشگری سند چشم انداز ۱۴۰۴ نبوده است.

به لحاظ روش شناسی این تحقیق از نوع کاربردی بوده و به روش کیفی انجام گردید؛ بنابراین نسبت به توزیع فرم مصاحبه با سوالات باز اقدام و در بخش اسنادی نیز با استفاده از منابع دست اول موجود در خصوص ورود گردشگران به کشور و سیاست خارجی اطلاعات گردآوری گردید. با توجه به خاص بودن موضوع و تخصصی بودن آن و نیاز به کسب اطلاعات دقیق و علمی از طرح پرسشنامه خودداری و نسبت به استفاده از روش مصاحبه اقدام شد. در این تحقیق کلیه صاحب نظران حوزه سیاست خارجی و جذب گردشگران در شهر تهران به عنوان جامعه آماری مطرح می باشند که با توجه به دسترسی محقق نسبت به انجام تعداد ۳۰ مصاحبه متمرکز و نیمه متمرکز از صاحب نظران به عنوان حجم نمونه اقدام می گردد. بدین ترتیب از روش نمونه گیری غیرتصادفی دسترس پذیر استفاده می گردد. همچنین تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی انجام پذیرفته است. در بخش توصیفی نتایج کدگذاری داده ها و اطلاعات گردآوری شده در قالب جداول فراوانی و نمودار ها ارائه و در بخش تحلیلی نیز با توجه به مسئله تحقیق و اهداف تعیین شده اطلاعات با اصول موضوعه محقق تحلیل و ارائه گردید.

-وثوقی، خوش نمک و جعفری (۱۳۹۶) تحقیقی را با عنوان «بررسی وضعیت گردشگری کشورهای محدوده ی چشم انداز افق ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران براساس شاخص رقابت پذیری سفر و گردشگری» انجام داده اند. محققین عنوان کرده اند امروزه توسعه گردشگری در اکثر کشورهای در حال توسعه به عنوان یکی از مهمترین استراتژی های توسعه اقتصادی و فرهنگی، مورد توجه قرار گرفته است و همواره دولت مردان و کارگزاران سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این کشورها تلاش دارند تا هر چه بیشتر بتوانند سهم خود را از بازار تجارترین المللی گردشگری افزایش داده و به جایگاه بالاتری در این صنعت دست یابند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران که افق چشم انداز آن در سال ۱۴۰۴، دستیابی به جایگاه اول اقتصادی در منطقه ترسیم شده است، یکی از استراتژی هایی که برای رسیدن به این هدف مورد توجه قرار داده، صنعت گردشگری می باشد. اما با وجود پتانسیل ها و فرصت های فراوان گردشگری، کشورمان هنوز در این صنعت به جایگاه واقعی خود دست نیافته است. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران برای بهره مندی از منافع بی شماری که صنعت گردشگری دارد، چشم اندازی ترسیم کرده که بر اساس آن، باید ۲۰ میلیون گردشگر را در پایان برنامه هفتم توسعه (در سال ۱۴۰۴) جذب کند. همچنین بر اساس این چشم انداز، ایران باید پذیرای ۱۳ میلیون گردشگر در طول برنامه ششم باشد. برای رسیدن به این هدف و قرار گرفتن در جایگاه اول اقتصادی در منطقه، به طور دائم باید سیاست ها، فعالیت ها و وضعیت کشورهای منطقه را مدنظر قرار داد. به همین جهت در این تحقیق به بررسی وضعیت صنعت گردشگری کشورهای منطقه در مقایسه با ایران پرداخته شده است.

-احمدی و باقری (۱۳۹۳) تحقیقی را با عنوان « بررسی تاثیر سیاست خارجی دولت دکتر روحانی بر توسعه صنعت گردشگری ایران» انجام داده اند. محققین عنوان کرده اند امروزه توسعه گردشگری در کشورهای مختلف چه به لحاظ اقتصادی و چه از جنبه های فرهنگی اجتماعی و سیاسی مورد توجه همگان قرار گرفته است. در کشور ما نیز از مدتها پیش، این مهم مورد توجه قرار گرفته بود. در مقابل نیز دیدگاه هایی دال بر وجود مانع توسعه گردشگری به لحاظ شرایط فرهنگی اجتماعی و سیاسی کشور وجود دارد. گفتمان سیاست خارجی دولت یازدهم در چهارچوب گفتمان کلی اعتدال تکوین می یابد. از این رو، گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم را می توان گفتمان اعتدال

یا اعتدال‌گرایی نامید، به گونه‌ای که رفتارها و راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مسائل و چالشهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی مانند مقوله‌ی گردشگری در عرصه بین‌الملل در دولت یازدهم نیز در قالب گفتمان اعتدال‌گرایی تکوین یافته و اجرا می‌شود. این مقاله از یک سو در مقام معنایابی و برگشایی مفاهیم گفتمان اعتدال‌گرایی در عرصه سیاست خارجی و از سوی دیگر در پی ارائه راهبردهای بهینه‌ای است که در صحنه‌ی بین‌الملل، ایران بتواند اهداف خود را در بهره‌گیری از فرصت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه توسعه صنعت گردشگری، در داخل کشور محقق سازد.

- مجیدی (۱۳۸۹) تحقیقی را با عنوان «سیاست گردشگری خارجی در ایران: جستجوی الگوی مطلوب» انجام داده است. محقق عنوان کرده صنعت گردشگری در جهان امروز جایگاهی ویژه دارد و طی نیم قرن به یکی از بازیگران اصلی تجارت بین‌الملل تبدیل شده و از منابع درآمدی مهم بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به شمار می‌آید. هر کشوری سیاست مناسب برای جذب گردشگر خارجی را تعریف می‌کند. در سیاستگذاری گردشگری کشورمان باید الگوی مطلوب گردشگری از دیدگاه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تعریف شود و بر آن پایه به برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری و اقدام پرداخت. با توجه به اینکه فرهنگ در شکل‌گیری، رشد و توسعه گردشگری نقش اساسی داشته و سنگ بنای توسعه گردشگری است و با عنایت به آثار و پیامدهای مثبت و منفی گردشگری، در این مقاله گردشگری فرهنگی به عنوان الگوی مطلوب گردشگری برای جامعه ایران بررسی می‌شود و با توجه به بین‌بخشی بودن صنعت گردشگری تاکید می‌کند.

- لوران (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر ثبات سیاسی و حاکمیت قانون بر تعداد ورود گردشگران؛ مطالعه موردی: کشورهای منتخب اسلامی طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۹۶» انجام داده است. مقوله امنیت و شاخص‌های مربوط به آن، از عوامل تأثیرگذار در توسعه و ترویج گردشگری در یک کشور یا منطقه است؛ به عبارت دیگر، امنیت اولین و اساسی‌ترین نیاز یک گردشگر محسوب می‌شود. مشاهدات حاصل از مطالعات مختلف نشان‌دهنده کاهش در میزان ورود گردشگر در نتیجه آشوب‌ها و منازعات سیاسی و عدم رعایت قوانین در نقاط مختلف جهان است. این پژوهش بر آن است که نقش ثبات سیاسی و حاکمیت قانون بر تعداد ورود گردشگران در کشورهای منتخب اسلامی را بررسی نماید. بدین منظور برای بررسی اثرهای متغیرها بر تقاضای گردشگر از داده‌های هجده کشور اسلامی به شکل تلفیقی طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۲ استفاده شد و با توجه به آزمون F لیمر و آزمون هاسمن از روش داده‌های پانل و اثرهای ثابت برای تخمین استفاده می‌شود. نتایج این مقاله، بیانگر تأثیر مثبت و معنی‌دار ثبات سیاسی و حاکمیت قانون بر افزایش میزان ورود گردشگر به کشورهای اسلامی است.

- میولی (۲۰۱۵) تحقیقی را با عنوان «تحلیلی بر نقش ثبات سیاسی و امنیت در توسعه صنعت گردشگری مطالعه موردی: منطقه خاورمیانه» انجام داده است. محقق عنوان کرده ر اساس آمار سازمان جهانی گردشگری ملل متحد، در سال ۲۰۰۹ گذرنامه ۸۸۰ میلیون نفر در سراسر دنیا مهور به مهر مسافرت شده و به عنوان مسافران بین‌المللی شناخته شده‌اند و از این رهگذر در حدود هزار میلیارد دلار نصیب کشورهای مختلف دنیا شده است. در این بین، مروری بر شرایط گردشگری بین‌المللی کشورهای منطقه خاورمیانه چه از نظر بازارها و درآمدهای ناشی از آن و چه از نظر میزان ورود گردشگران، گویای چالشهای عدیده این منطقه از دنیاست. بنابراین در این مقاله، به مقوله امنیت و ثبات سیاسی به عنوان

یکی از مهمترین چالشهای فراروی صنعت گردشگری کشورهای منطقه خاورمیانه پرداخته شد. جهت بررسی رابطه بین توسعه گردشگری در حوزه کشورهای خاورمیانه و فضای سیاسی-امنیتی این منطقه، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نوسان و عدم تعادل شدید در میزان گردشگران ورودی به کشورهای این منطقه، ارتباط بسیار نزدیکی با تحولات سیاسی در عرصه جهانی (چون استراتژی مبارزه با تروریسم بین‌الملل)، فضای سیاسی-امنیتی منطقه خاورمیانه (چون تشدید اقدامات گروههای بنیادگرا) و شرایط داخلی کشورهای این منطقه (چون رژیمهای استبدادی) دارد.

- رواندلون(۲۰۰۸) در تحقیقی با هدف بررسی رابطه بین سیاست خارجی و ورود گردشگران عنوان نموده که سیاست‌های خارجی منفعلانه رابطه معکوسی با ورود گردشگران به کشورهای منتخب دارد.

-موندراس(۲۰۰۸) در تحقیق با عنوان بررسی رابطه بین سیاست های خارجی و توسعه صنعت گردشگری عنوان نموده که سیاست های خارجی دولت ها بویژه در حوزه مراودات اقتصادی نقش موثری بر توسعه صنعت گردشگری ویژه جذب گردشگران دارد.

## رویکرد مفهومی و نظری

### تعریف سیاست خارجی

سیاست خارجی، اصولاً در مورد فعالیت های یک کشور در محیط و شرایط خارجی است. در همین ارتباط، سیاست خارجی می تواند یک استراتژی و یا برنامه ای از فعالیت ها تعریف گردد که توسط تصمیم گیران یک کشور در برابر کشورهای دیگر و یا نهاد های بین المللی انجام شده تا به اهدافی که بنام منافع ملی آن کشور خوانده میشود، برسند. سیاست خارجی همچنین پروسه ای شامل اهداف مشخص، عوامل معین خارجی وابسته به اهداف فوق الذکر، توانایی کشور در رسیدن به نتایج مطلوب، توسعه یک استراتژی سودمند، اجرای استراتژی، ارزیابی و کنترل آن می باشد(میرانی، ۱۳۹۶: ۴۸). سیاست خارجی در یک تعریف دیگر عبارت است از راهبرد یا رشته طراحی شده عمل که به وسیله تصمیم گیرندگان یک دولت در مقابل دیگر دولت ها و واحدهای بین المللی به منظور اهداف مشخص اعمال می شود (حقیقت، ۱۳۸۵: ۲۰). بر اساس تعریف دیگر تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیم گیری هایی که از دیدگاه خاص همان کشور جنبه برون مرزی دارد، را سیاست خارجی گویند.. در تعریف دیگر سیاست خارجی به آن دسته از فعالیتهای دولتی که به روابط کشوری خود فرمان یا دولتهای جداگانه و خود فرمان دیگر مربوط می شود(لیپست، ۱۳۸۳: ۹۳۱).

به هر حال مقوله سیاست خارجی از پیچیده ترین و گسترده ترین و عمیق ترین مقولات در میان تمامی شاخه های علوم اجتماعی است که ده ها و حتی صدها عامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، تاریخی، و تکنیکی در داخل واحد های سیاسی و در سطوح مختلف نظام بین الملل در آن دخالت مجرد یا متقابل دارند(سریع القلم، ۱۳۷۲: ۲۰۶). از این رو در تدوین و تنظیم و هدایت سیاست خارجی، عوامل و متغیرهای گوناگونی دخالت دارند که بدون شک آگاهی از کم و کیف و آثار متقابل آنها برای درک آن چه که در بطن ماشین و سیستم سیاست گذاری یک کشور می گذرد، مفید است. از میان آنها ویژگی ها و خصصیت های ملی، ساختار و بافت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژی، موقعیت جغرافیایی، تهدیدات و بالاخره ادراک و برداشت سیاست گذاران و تصمیم گیرندگان در مورد کم و کیف عوامل و متغیرهای مذکور از همه مهم تر و اساسی تر است. تفاوت اساسی سیاست داخلی و سیاست خارجی همانگونه که از نام آنها پیداست در حوزه و عرصه آن-

هاست، سیاست داخلی خط مشی های داخلی یک دولت را در ابعاد مختلف شامل می‌گردد و سیاست خارجی خط مشی های دولت در عرصه خارجی و روابط با سایر کشورهاست. به عبارت دیگر سیاست داخلی جنبه درون کشوری و درون مرزی مجموعه سیاستهای دولت است و سیاست خارجی جنبه برون مرزی سیاستهای یک دولت می‌باشد. ۲. تفاوت دیگر این دو که برگرفته از تفاوت بالاست در این است که سیاست داخلی مربوط به روابط دولت با افراد و گروهها و تشکلهای علمی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... است اما سیاست خارجی مربوط به روابط دولت با سایر دولتها و سازمانهای بین المللی است بنابر این نوع بازیگران در هریک از سیاست های داخلی و خارجی متفاوت با دیگری است. البته تفاوت میان سیاست داخلی و خارجی به معنای نفی پیوند و ارتباط بین آنها نبوده و این گونه نیست که سیاست داخلی و سیاست خارجی به دلیل جدا بودن حوزه آنها با یکدیگر ارتباط نداشته باشند بلکه سیاست داخلی و خارجی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ و پیوند عمیقی دارند تا جایی که بسیاری از محققان بر این نظر اصرار ورزیده اند که سیاست خارجی و داخلی دو روی یک سکه اند. و پاره ای از عوامل تشکیل دهنده منافع ملی، موانع و محدودیتهای غیر قابل انکاری در راه هر سیاستگذاری خارجی به وجود می‌آورند(قوام، ۱۳۷۵: ۱۰۴). از این رو سیاست خارجی مستلزم تعامل قانون و نظم سیاست داخلی و نظام بین الملل است و بدون شک، همه دولتها در برقراری رابطه و انعقاد قرارداد با یکدیگر منافع ملی و ارزشهای حاکم بر جامعه خود را مد نظر دارند و سیاست خارجی خود را در مجموعه سیاست داخلی تنظیم می‌نمایند(هاشمی، ۱۳۷۸: ۳۸۹).

### تعریف گردشگری

گردشگری به علت خصلت بین رشته ای خود، قابلیت نگرشهای متفاوت را داراست و این امر سبب ارائه ی تعاریف بسیاری از آن گردیده است. در تعاریف اولیه گردشگری، بیشتر بر بعد فاصله تاکید گردیده و گردشگران بر مبنای فاصله ای که از محل مسکونی خود داشته اند، طبقه بندی می‌شدند. دهها تعریف از گردشگری ارائه شده است که برخی از آنها به شرح زیر است:

گردشگری عبارت است از فعالیت های افرادی که برای استراحت، کار و دلایل دیگر به خارج از محیط سکونت معمول خویش سفر کرده، حداکثر برای یک سال متوالی در آنجا اقامت می‌کنند(علیرضایی، ۱۳۹۴: ۲۷).

گردشگری داخلی<sup>۱</sup> (یا بومی)<sup>۲</sup>: در این حالت اشخاص مقیم یک کشور حداکثر برای مدت دوازده ماه به محلی در کشور خودشان که خارج از محیط معمول زندگی آنهاست سفر می‌کنند و هدف اصلی آنها از این سفر، انجام کاری نیست که سر انجام آن دریافت مزد از محل مورد بازدید باشد(همان، ۲۹).

گردشگری خارجی(یا بین المللی)<sup>۳</sup>: افراد برای حداکثر مدت دوازده ماه به کشوری که محل اقامت معمول آنها نیست و خارج از محیط معمول زندگیشان قرار دارد سفر می‌کنند و هدف اصلی آنها از این بازدید انجام کاری نیست که سر انجامش دریافت مزد از کشور مورد بازدید باشد(میلیر، ۲۰۰۷: ۷).

گردشگری مجموع پدیده ها و ارتباطات ناشی از کنش متقابل میان گردشگران، سرمایه، دولتها و جوامع میزبان، دانشگاهها و سازمان های غیر دولتی، در فرایند جذب، حمل و نقل، پذیرایی و کنترل گردشگران و دیگر بازدیدکنندگان است(وارور<sup>۴</sup>،

1. internal tourism

<sup>۲</sup> منظور از بومی در این مفهوم تنها اشاره به ساکنان هر کشور یا منطقه دارد و مفهومی دیگر را در بر نمی‌گیرد.

3. national tourism

4. Warver

۲۰۰۰: ۳). همچنین در تلاشی دیگر، با در نظر گرفتن بعد تجربه و انتخاب آگاهانه و از روی اختیار، گردشگری مسافرتی داوطلبانه و موقتی تعریف شده است که برای بهره گیری از چشم اندازهای تازه و تجربیات جدید در یک سفر نسبتاً طولانی (از نظر بعد مسافرت) شکل می گیرد (مانلی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰: ۴).

همچنین گردشگری را زندگی موقت، لذت بخش و خاطره انگیز تعریف می کنند (روستا، ۱۳۹۱: ۶۹). با وجود این، تعاریف گردشگری تا هنگامی که در چهارچوب یک نگرش کل نگر قرار نگرفته اند توانایی توصیف تمامی ابعاد این پدیده بین رشته ای را ندارند. تعاریف خارج از نگرش کل نگر، تنها سعی در توصیف گردشگر کیست دارند تا از این طریق بتوان یک چارچوب کمیت گرا را با توجیه اقتصادی فراهم آورد. در حالیکه این تعاریف از پرداختن به ماهیت گردشگری در یک ساختار شکنی و آنگاه تجدید ساختار آن باز می مانند. در این بین تقسیم بندی گردشگران نیز نادیده گرفته شده است. اما با رشد نگرشهای کل نگر در وهله اول تقسیم بندی گردشگران نیز جلوه ای عملی یافت (یزدی و سقایی، ۱۳۸۵: ۱۲).

### صنعت گردشگری ایران

بر اساس آمار سازمان گردشگری، سهم صنعت گردشگری ایران از تولید ناخالص داخلی، حدود ۱۱۹ میلیون دلار (معادل ۲.۴ درصد) است که پیش بینی می شود در سال ۱۴۰۲، به چهار درصد افزایش یابد. همچنین در حال حاضر، ۴۷۵ هزار ایرانی در صنعت گردشگری و صنایع مرتبط با آن مشغول به کارند که این میزان، ۱.۲ درصد از کل نیروی کار فعال در ایران را تشکیل می دهد و بر اساس برنامه های دولت، باید تا سال ۱۴۰۲، به ۳.۲ درصد افزایش پیدا کند. مطابق آمارهای منتشره از سوی سازمان جهانی گردشگری، گردشگری ایران در سال گذشته (۱۳۹۸) ۱۲ درصد رشد داشته، در حالی که رشد جهانی گردشگری ۴ درصد بوده است. شاید به همین دلیل، سرمایه گذاری بخش خصوصی در حوزه گردشگری طی سال ۹۵، رشدی ۲۰ تا ۳۰ درصدی را به همراه داشته است. با این حال براساس اعلام رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، طی دو سال گذشته، آمار ورود گردشگران خارجی به کشور تنها ۴.۶ دهم درصد گردشگران دنیا بوده است.

### ساختار سازمانی و جایگاه سیاست خارجی ایران

سیاست خارجی ایران در دوران معاصر دارای فراز و نشیب های زیادی در طول حیات این کشور بوده است. به طور کلی می توان سیاست خارجی ایران را به سه بازه زمانی دودمان قاجار، دودمان پهلوی و حکومت جمهوری اسلامی تقسیم کرد. سیاست خارجی ایران پس از انقلاب عمدتاً بر اساس ارزش گذاری های نظام دینی شکل گرفت و تغییر ماهیت داد. پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران، روابط جمهوری اسلامی با رژیم صهیونیستی به علت اشغال اراضی فلسطین و به رسمیت نشناختن این رژیم توسط جمهوری اسلامی و همچنین با آمریکا به علت سیاست های زور گویانه آنان تیره و تار شد علی الخصوص بعد از واقعه بالا رفتن از سفارت آمریکا نخستین تحریم های اقتصادی آمریکا علیه ایران در همین جریان وضع گردید (احمدی نجد، ۱۳۹۸: ۶۳).

پایه گذاری نظام جمهوری اسلامی بر اساس قانون و احکام اسلامی و برنامه هسته ای و موشکی جمهوری اسلامی ایران را مهم ترین چالش های ایران در روابط خارجی خود بر می شمارند. در سال های اخیر مذاکراتی با گروه ۵+۱ صورت گرفت اما نه تنها نتیجه مثبتی در سیاست های خارجی و تحریم های آمریکا علیه ایران نداشت بلکه پس از خروج آمریکا به اتهام نقض برجام توسط جمهوری اسلامی ایران که هیچگاه توسط آمریکا اثبات نشد تحریم های شدید تر و سنگین تری علیه ایران

<sup>1</sup> Monely

صورت گرفت و آسیب‌های بسیار جبران‌ناپذیری به برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران وارد کرد. ایران پس از انقلاب و استقرار حکومت جمهوری اسلامی ایران در جهت اتخاذ سیاست مستقل برای تأمین منافع بین‌المللی اش حرکت کرد و سعی کرد تا خود را خارج از استراتژی‌ها و رویکردهای بلوک شرق و بلوک غرب تعریف کند. در این راستا همکاری و مشارکت با حکومت‌های منطقه خاورمیانه در جهت شکل‌دهی به ترتیبات امنیتی منطقه‌ای در اولویت قرار گرفت. اتفاقاتی چون گروگانگیری در سفارت آمریکا در تهران در سال ۱۳۵۸، جنگ ایران و عراق، سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران توسط آمریکا در سال ۱۳۶۷، ماجرای سلمان رشدی، حملات تروریستی میکونوس و بمب‌گذاری آمیا، برنامه هسته‌ای و موشکی ایران، حمایت آمریکا از گروه‌های تجزیه طلب ساکن ایران، تحریم‌های شدید و گسترده آمریکا در همه موضوعات مثل فروش نفت، بلوکه کردن پول‌های ایران در ایالات متحده آمریکا و... از تأثیر گذارترین رخداد‌های در روابط خارجی ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ بود. اگرچه روابط ایران با کشورهای ایالات متحده آمریکا و اسرائیل به عنوان چالش برانگیزترین بخش روابط خارجی ایران مطرح بوده‌است، ولی روابط ایران با کشورهای اسلامی، منطقه خاورمیانه و همسایگانش دچار فراز و نشیب‌هایی بوده‌است. قطع موقت روابط با عربستان پس از واقعه حج ۱۳۶۶، اختلاف با امارات متحده عربی در مالکیت سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، تیرگی روابط با بحرین در پی اتهام بحرین مبنی بر حمایت ایران از شیعیان معترض در این کشور، قطع روابط با مصر در پی حمایت ایران از اقدام خالد اسلامبولی، تیرگی روابط با کویت به موجب جنگ ایران و عراق، اعتراض به رفتار سرکوب‌گرانه دولت منصور هادی با شیعیان یمن که در نهایت به انقلاب شیعیان یمن منجر شد. ایران از روسیه، چین، سوریه و ونزویلا به عنوان مهم‌ترین کشورهای متحد خود یاد می‌کند. همچنین ایران روابط خوبی نیز با حزب‌الله لبنان، حماس و مبارزان حوثی دارد (مارک ترن، ۲۰۱۸).

بعد از نابودی طالبان و حزب بعث عراق که دو دشمن خطرناک برای حکومت جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آمدند، ایران توانست با توجه به خلاء وجود دشمن در کشورهای همسایه خود، نفوذ خود را در این دو کشور گسترش دهد؛ و در دراز مدت برنده نهایی لشکرکشی آمریکا به کشورهای افغانستان و عراق باشد؛ به این دلیل که نیروهای نظامی خارجی مجبور بودند بعد از گذشت برهه زمانی مشخصی این کشورها را ترک کنند؛ ولی این ایران بود که همواره در مجاورت این کشورها قرار دارد و می‌تواند در این کشورها صاحب نفوذ شود. با روی کار آمدن دولت نهم جمهوری اسلامی ایران به سرپرستی محمود احمدی‌نژاد تغییرات اساسی در مناسبات سیاست خارجی ایران رخ داد. تغییر دبیر شورای عالی امنیت ملی از حسن روحانی به علی لاریجانی و سپس به سعید جلیلی و تغییر بسیاری از سفرای ایران در کشورهای خارجی، مصادیقی از این تغییرات بودند. همچنین دولت با تغییر رویکرد، به سمت برقراری رابطه با کشورهای آمریکای لاتین و آسیای شرقی به جای کشورهای اروپایی نمود. این روند در دوران ریاست جمهوری روانی نیز تا حدودی ادامه نیافت و ایران دست به اقدام برای توافقی چند جانبه با نام برجام نمود که سیاست خارجی یاران را تغییر داد که در حال حاضر خروج آمریکا از این توافق نامه برجام و سست شدن اجرای مفاد آن باعث تغییر سیاست خارجی ایران در خصوص مرواده با کشورهای طرف قرارداد گردد (مرشدی، ۱۳۹۸: ۲۲).

در خصوص جایگاه سیاست خارجی نیز میتوان گفت در عرصه روابط بین‌الملل، سیاست خارجی کشورها جایگاه ویژه و مهمی دارد. نظام‌های سیاسی می‌توانند با اتخاذ تصمیمات و سیاستگذاری‌ها منافع ملی خود را تبیین نمایند، ضمن



اینکه سیاستهای مختلف، انعکاسی از خواستها و نیازهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی جامعه می باشند که ایران نیز این روند را دارا می باشد.

### اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

بر اساس مبانی نظری در قانون جمهوری اسلامی بدین شرح تعریف شده است:

۱. تأکید و اجرای استقلال سیاسی در برنامه ریزی و سیاست گذاری
۲. ترجیح دادن ملت ها و نهضت های ضد دیکتاتور به دولت های دیکتاتور مابانه در روابط بین الملل
۳. استقلال روابط خارجی سیاسی از روابط خارجی اقتصادی ایران
۴. مبارزه با اسرائیل و دفاع از نهضت مردمی فلسطین
۵. اهمیت دادن به عدالت سیاسی در روابط بین دولت ها
۶. فاصله گرفتن استراتژیک از منافع قدرت های بزرگ سیاسی
۷. مبارزه با قانون تبعیض آمیز وتو در سازمان ملل متحد
۸. ماهیت قدرت سیاسی در ایران عقیدتی است و در نتیجه سیاست خارجی ایران عقیدتی است

### یافته ها

در این بخش ابتدا نسبت به ارائه خلاصه نتایج آماره های توصیفی در خصوص متغیرها اقدام می گردد. بر این اساس خلاصه نتایج توصیف متغیرها زمینه ای و خلاصه نتایج مصاحبه ها ارائه می گردد.

### آمار توصیفی

در این تحقیق اطلاعات مورد نیاز به وسیله فرم مصاحبه و با طرح ۴ سوال از تعداد ۳۰ نفر از صاحب نظران جمع آوری گردیده است. بر اساس آمار به دست آمده برای متغیرهای زمینه ای (سیمای پاسخگویان) می توان عنوان نمود که :  
در خصوص جنسیت مردان ۶۰ درصد و زنان ۴۰ درصد می باشند. بیشترین فراوانی مربوط به پاسخگویان مرد با ۶۰ درصد فراوانی ها است

بیشترین فراوانی مدرک تحصیلی مربوط به پاسخگویان دارای مدرک کارشناسی ارشد با ۶۶ درصد فراوانی ها می باشد.

بیشترین فراوانی وضعیت تاهل مربوط به پاسخگویان متأهل با ۷۴ درصد فراوانی ها می باشد.

بیشترین فراوانی شغل مربوط به پاسخگویان شاغل در ادارات و موسسات دولتی با ۶۳ درصد فراوانی ها می باشد

بیشترین فراوانی سابقه کار را پاسخگویان ۱۶ تا ۲۵ سال سابقه با ۳۷ درصد فراوانی ها دارا می باشند.

### در بخش کیفی و در نتیجه جمع بندی نتایج مصاحبه ها می توان گفت:

بر اساس اطلاعات بدست آمده (به شرح جدول زیر) از مصاحبه شوندگان می توان گفت سیاست خارجی برمبنای سند چشم انداز در اولویت اول تا سوم موثر در حذف عوامل بازدارنده سیاسی در حوزه گردشگری، موثر در معرفی ایران به عنوان مقصد امن گردشگری به سایر کشورها و موثر در سهولت سفر گردشگران به ایران به لحاظ روادید، اقامت ساده و ... می باشد. بر این اساس سیاست خارجی برمبنای سند چشم انداز در ارتقاء موقعیت گردشگری کشور به یکی از بیست مقصد برتر گردشگری فرهنگی جهان در حد زیادی تاثیرگذار بوده و با داشتن سیاست خارجی مناسب در ارتباط با سایر کشورها می توان نسبت به معرفی کشور به عنوان مقصد امن گردشگری و ایجاد زمینه های ورود با سهولت به کشور به

لحاظ روایت و اقامت و ... و همچنین مهمتر از همه حذف عوامل بازدارنده سیاسی در حوزه ورود گردشگران به کشور اقدام نمود.

جدول ۱. جمع بندی سؤال اول مصاحبه

ردیف	شاخص های ارزیابی عملکرد	فراوانی	درصد فراوانی
۱	بالاترین نقش در بین عوامل سیاسی	۲	۷٪
۲	تعیین کننده در ارتقاء موقعیت گردشگری	۱	۳٪
۳	تاثیرگذار بر ورود گردشگران به کشور	۲	۷٪
۴	زمینه ساز ورود گردشگران به دلایل سیاسی	۱	۳٪
۵	هماهنگ کننده دولت های هدف برای تشویق گردشگرانشان به سفر به ایران	۱	۳٪
۶	موثر در سرمایه گذاری خارجی در حوزه گردشگری کشور	۴	۱۳٪
۷	افزایش اعتماد عمومی به ایران در حوزه بین المللی	۴	۱۳٪
۸	موثر در سهولت سفر گردشگران به ایران به لحاظ روایت، اقامت ساده و ...	۴	۱۳٪
۹	موثر در معرفی ایران به عنوان مقصد امن گردشگری	۵	۱۸٪
۱۰	موثر در حذف عوامل بازدارنده سیاسی در حوزه گردشگری	۶	۲۰٪
	جمع بندی	۳۰	۱۰۰٪

بر اساس اطلاعات بدست آمده (به شرح جدول زیر) از مصاحبه شوندگان می توان گفت سیاست خارجی بر مبنای سند چشم انداز در اولویت اول تا سوم موثر در معرفی زمینه های گردشگری دینی به سایر کشورهای اسلامی (بازدید از مراکز دینی مانند حرم امام رضا(ع)، حرم حضرت معصومه(ع) و ...، حمایت از شیعیان در جهان به منظور تقویت مرکزیت ایران به عنوان پایگاه شیعیان جهان و معرفی ایران به عنوان مقصد امن گردشگری مسلمانان جهان می باشد. بر این اساس سیاست خارجی بر مبنای سند چشم انداز در راستای تبدیل ایران به مقصد نمونه گردشگری پایدار اسلامی در منطقه (پایگاه مرکزی گردشگری شیعی) در حد زیادی تاثیرگذار بوده و با داشتن سیاست خارجی مناسب در ارتباط با سایر کشورهای مسلمان می توان نسبت به معرفی ایران به عنوان کشوری با قابلیت های بالای گردشگری دینی و مراکز مهم اسلامی و مرکزیت ایران به عنوان پایگاه شیعیان جهان و امن بودن ایران برای گردشگران دینی در راستای تبدیل ایران به مقصد نمونه گردشگری پایدار اسلامی در منطقه (پایگاه مرکزی گردشگری شیعی) اقدام نمود.

جدول ۲. جمع بندی سؤال دوم مصاحبه

ردیف	شاخص های ارزیابی عملکرد	فراوانی	درصد فراوانی
۱	معرفی زمینه های گردشگری دینی به سایر کشورهای اسلامی (بازدید از مراکز دینی مانند حرم امام رضا(ع)، حرم حضرت معصومه(ع) و ...	۶	۷٪
۲	تعیین کننده در گردشگری پایدار اسلامی	۱	۳٪
۳	برقراری ارتباط قوی با سایر کشورهای اسلامی به منظور سهولت در ورود گردشگران مسلمان به کشور	۴	۷٪

۴	زمینه ساز ایجاد پایگاه مرکزی گردشگری شیعه در جهان	۱	۳٪
۵	هماهنگ کننده دولت های مسلمان برای تشویق گردشگرانشان به سفر به ایران	۱	۳٪
۶	موثر در سرمایه گذاری خارجی کشورهای مسلمان در حوزه گردشگری کشور	۲	۱۳٪
۷	حمایت از شیعیان در جهان به منظور تقویت مرکزیت ایران به عنوان پایگاه شیعیان جهان	۵	۱۳٪
۸	موثر در سهولت سفر گردشگران مسلمان بویژه شیعه به ایران به لحاظ روادید، اقامت ساده و ...	۳	۱۳٪
۹	موثر در معرفی ایران به عنوان مقصد امن گردشگری مسلمانان جهان	۵	۱۸٪
۱۰	موثر در حذف عوامل بازدارنده سیاسی در حوزه معرفی ایران به عنوان مرکز گردشگری دینی	۲	۲۰٪
<b>جمع بندی</b>		۳۰	۱۰۰٪

بر اساس اطلاعات بدست آمده (به شرح جدول زیر) از مصاحبه شونده‌گان می توان گفت سیاست خارجی برمبناء سند چشم انداز در اولویت اول تا سوم موثر در زمینه سازی معرفی ایران در حوزه طبیعت درمانی (خدمات طبیعی شامل چشمه‌های آب گرم، دریاچه نمک، آفتاب درخشان، لجن طبی، ماساژ طبی، حمام گیاهی و همچنین محیط زیست زیبا، پاک و آرام به منظور بهبود بیماران پوستی، تنفسی، روماتولوژی، عضلانی و یا گذراندن دوران نقاهت بعد از درمان و عمل‌های جراحی)، هماهنگ کننده دولت های همسو سیاسی برای تشویق گردشگرانشان به سفر به ایران برای درمان و امور پزشکی و ایجاد توافق نامه های همکاری با کشورهای همسایه بمنظور سفر افراد برای درمان می باشد. بر این اساس سیاست خارجی برمبناء سند چشم انداز در راستای تبدیل ایران به مقصد نمونه و ایمن گردشگری سلامت مطابق با سند چشم انداز در حد زیادی تاثیرگذار بوده و با داشتن سیاست خارجی مناسب در ارتباط با سایر کشورهای جهان می توان نسبت به معرفی ایران به عنوان کشوری با قابلیت های بالای گردشگری سلامت اقدام نمود.

### جدول ۳. جمع بندی سؤال سوم مصاحبه

ردیف	شاخص های ارزیابی عملکرد	فراوانی	درصد فراوانی
۱	زمینه ساز معرفی ایران در حوزه طبیعت درمانی	۶	۷٪
۲	هماهنگ کننده دولت های همسو سیاسی برای تشویق گردشگرانشان به سفر به ایران برای درمان و امور پزشکی	۶	۳٪
۳	موثر در سرمایه گذاری خارجی کشورهای همسایه در حوزه گردشگری سلامت	۱	۷٪
۴	موثر در سهولت سفر گردشگران حوزه سلامت به ایران به لحاظ روادید، اقامت ساده و ...	۲	۳٪
۵	موثر در معرفی ایران به عنوان مقصد امن گردشگری سلامت	۱	۳٪
۶	معرفی زمینه های گردشگری سلامت به سایر کشورهای جهان (بازدید از مراکز سلامت)	۳	۱۳٪

۷	تعیین کننده در گردشگری سلامت	۲	٪۱۳
۸	برقراری ارتباط قوی با سایر کشورها به منظور ایجاد زمینه هایسهولت در ورود گردشگران حوزه سلامت	۳	٪۱۳
۹	موثر در حذف عوامل بازدارنده سیاسی در حوزه معرفی ایران به عنوان مرکز گردشگری سلامت در منطقه	۱	٪۱۸
۱۰	ایجاد توافق نامه های همکاری با کشورهای همسایه بمنظور سفر افراد برای درمان	۵	٪۲۰
جمع بندی		۳۰	٪۱۰۰

بر اساس پاسخ های ارائه شده (به شرح جدول زیر) توسط پاسخگویان میتوان گفت که هم راستایی نسبت عملکرد سیاست خارجی کشور با تحقق اهداف گردشگری در سند چشم انداز ۱۴۰۴ در حد متوسط رو به کمی با کسب ٪۴۷ فراوانی ها می باشد. بر این اساس با توجه به نظر پاسخگویان سیاست خارجی در کشور به شکل مناسبی نتوانسته است که زمینه های بدست آوردن اهداف گردشگری در سند چشم انداز ۱۴۰۴ را ایجاد نماید در حالی که سیاست خارجی عاملی تاثیرگذار در این زمینه است ولی در ایران به شکل ضعیفی عمل نموده است.

#### جدول ۴. جمع بندی سؤال چهارم مصاحبه

کم	متوسط	زیاد	هم راستایی نسبت عملکرد سیاست خارجی کشور با تحقق اهداف گردشگری در سند چشم انداز ۱۴۰۴
۹	۱۴	۷	فراوانی
۳۰ درصد	۴۷ درصد	۲۳ درصد	درصد

در بررسی پاسخ به سوال اول فرعی میتوان گفت به نظر می رسد سیاست خارجی در ارتقاء موقعیت گردشگری کشور به یکی از بیست مقصد برتر گردشگری فرهنگی جهان مطابق سند چشم انداز نسبت مستقیم دارد و تاثیرگذار است. که بر این اساس فرضیه فرعی اول تایید می گردد.

در بررسی پاسخ به سوال دوم فرعی میتوان گفت به نظر می رسد سیاست خارجی بر مبنای سند چشم انداز در راستای تبدیل ایران به مقصد نمونه گردشگری پایدار اسلامی در منطقه (پایگاه مرکزی گردشگری شیعی) تاثیر مستقیم دارد و تاثیرگذار است. که بر این اساس فرضیه فرعی دوم تایید می گردد.

همچنین در بررسی پاسخ به سوال سوم فرعی میتوان گفت به نظر می رسد سیاست خارجی در تبدیل ایران به مقصد ایمن گردشگری سلامت مطابق با سند چشم انداز تاثیر مستقیم دارد و تاثیرگذار است. که بر این اساس فرضیه فرعی سوم تایید می گردد.

#### نتیجه گیری

در نتیجه نهایی تحقیق و در پاسخ به سوالات میتوان گفت بی تردید ایران از نظر گردشگری تاریخی، فرهنگی، طبیعی و مذهبی، جاذبه های فراوانی دارد. به گونه ای که بیش از هر کشوری در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا و حتی ترکیه، آثاری از آن در سازمان یونسکو ثبت شده است (UNESCO, 2014). اما میزان ورود گردشگر بین المللی و کیفیت صنعت

گردشگری ایران به هیچ وجه متناسب با جاذبه‌های گردشگری آن نیست. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان اساسنامه و مهم‌ترین سند زیربنایی کشور که بخش عمده‌ای از مفاد آن سازوکارها و نحوه اداره امور کشور را معین می‌کند، هیچ‌گونه اشاره‌ای به گردشگری و مفاهیم پیرامون آن (ایرانگردی، جهانگردی، میراث فرهنگی و نظایر آن) و ساختار نهادی آن نکرده است. اگرچه قانون اساسی، کلیات را بیان می‌کند و بسیار از مسائل جامعه مانند گردشگری در قانون اساسی نیامده است، اما ظرفیت فوق‌العاده گردشگری ایران و سهم اقتصادی و فرهنگی این صنعت در جهان، طلب می‌کند که ساختار نهادی و اهمیت آن در قانون اساسی بیان شود. همچنین، سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ به‌عنوان مهم‌ترین سند توسعه ایران در یک دهه اخیر که سایر قوانین باید بر مبنای آن تقنین شود، هیچ‌گونه اشاره‌ای به گردشگری و مفاهیم پیرامون آن نکرده است. باید توجه داشت که در این سند راهبردی، بسیاری از مسائل و حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه بیان نشده است و صرفاً اهداف کلان جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ را مشخص کرده است. اما از عبارت کلیدی سند چشم‌انداز یعنی «ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل»، می‌توان توسعه صنعت گردشگری را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی استیفاء کرد.

از اسناد فرادستی ایران در خصوص گردشگری چنین بر می‌آید که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، قائل به گردشگری به‌عنوان یک صنعت و یکی از حوزه‌های مهم اقتصادی نیستند. در اسناد فرادستی ایران، هیچ سخنی از میزان سرمایه‌گذاری، میزان اشتغالزایی و میزان درآمدزایی نیامده و هدف‌گذاری نشده است. در تمامی برنامه‌های توسعه ایران، اگر ذکری از گردشگری باشد، به‌عنوان مقوله‌ای فرهنگی در ذیل بخش فرهنگی آمده است. حتی گردشگری به‌عنوان مقوله‌ای فرهنگی، با نگاه بسیار تقلیل‌گرایانه دیده شده است و صرفاً حفظ و مرمت ابنای تاریخی، ایجاد موزه‌های تخصصی (سازمان‌های دولتی، شهدا و جنگ و عشایر و روستائیان) و بهبود زیرساخت‌ها و ارائه امکانات برای زائران قطب‌های زیارتی ایران دیده شده است. باید توجه داشت که علاوه بر گردشگری فرهنگی و تاریخی، گردشگری ابعاد و گونه‌های مختلف دیگری (اکوتوریسم، ساحلی، دریایی، ورزشی، آب درمانی، سلامت، زمستانی و ...) دارد که در هیچ یک از اسناد بالادستی کشور به ویژه سند ۱۴۰۴، اشاره‌ای به آن‌ها نشده است. اکوتوریسم و گردشگری ساحلی به‌عنوان پیشروترین صنعت گردشگری جهان که قریب ۶۰ درصد سهم گردشگری جهانی را به خود اختصاص داده است مورد حمایت حکومت، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نیست. در هیچ یک از متون اسناد فرادستی و حتی قوانین عادی، دولت مکلف به سرمایه‌گذاری و یا حمایت از بخش خصوصی برای توسعه زیرساخت‌های و ارائه تسهیلات و خدمات در مناطق ساحلی و جزیره‌ای برای توسعه گردشگری نشده است. به همین دلیل است که در بازار گردشگری ایران سهم گردشگران بین‌المللی برای جاذبه‌های ساحلی ایران تقریباً صفر است. اندک گردشگرانی که به ایران می‌آیند در وهله اول مربوط به گردشگری مذهبی و در وهله دوم مربوط به گردشگری تاریخی - فرهنگی است. گردشگران بین‌المللی ابنای تاریخی و فرهنگی محدود بوده و منحصر به گروه خاصی از علاقه‌مندان به تاریخ و فرهنگ کشورها و برخی محققین و دانشجویان است که به ایران سفر می‌کنند. در حوزه گردشگری زیارتی، زائرانی که به ایران سفر می‌کنند، شیعه‌مذهب و عمدتاً در فضای پیرامون ایران پراکنده‌اند. از دیدگاه صنعت گردشگری، حفظ و توسعه گردشگری زیارتی اقدام مناسبی است که حکومت ایران انجام می‌دهد، اما نسبت جمعیت شیعه‌مذهب به کل جمعیت جهان بسیار اندک است و افراد اندکی از جمعیت شیعه‌مذهب می‌توانند به ایران سفر کنند. علاوه بر آن، باید توجه داشت که گردشگری مذهبی و مسائل مربوط به

آن در حوزه تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری نهادها و سازمان‌های تخصصی گردشگری (سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری) در ایران نیست و اساساً متولیان این امر، زائران حرم امام رضا (ع) و بقاع متبرکه را گردشگر و خدمات مربوط به آن را صنعت گردشگری نمی‌دانند. به عبارت دیگر، هدف حکومت از این حوزه، منافع اقتصادی و کسب درآمدهای ارزی آن طوری که در صنعت گردشگری مورد توجه است، نیست و اساساً زیارت اماکن متبرکه یک مسئله معنوی و شرعی والاتر از گردشگری است که ریشه در باور مذهبی مردمان شیعه دارد و الزاماً با صنعت گردشگری به‌عنوان یک پدیده مدرن و دارای خاستگاه تمدن غربی انطباق ندارد. بررسی اسناد و قوانین فرادستی ایران و سند ۱۴۰۴ نشان داد که صنعت گردشگری کمتر مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کلان کشور بوده است. سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴، در خصوص صنعت گردشگری و مسائل مرتبط با آن سخنی نگفته و در این باره سکوت کرده است.

به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کلان کشور، باور و اراده لازم را برای توسعه گردشگری در ایران ندارند که این مسئله ناشی از نگرش حکومت به تهدیدآمیز بودن گردشگری بین‌المللی در مقوله فرهنگی و اجتماعی است. همچنین نگاه تقلیل‌گرایانه فرهنگی به حوزه گردشگری فرهنگی و بی‌توجهی به گونه‌های گردشگری ساحلی و اکوتوریسم به‌عنوان بزرگ‌ترین و جذاب‌ترین بخش گردشگری جهان در سیاست‌گذاری‌ها و اسناد فرادستی ایران، نمی‌تواند ایران را به جایگاه مناسبی در بازار گردشگری منطقه‌ای و جهانی و رسیدن به سطح اول اقتصادی منطقه (گردشگری به‌عنوان یکی از حوزه‌های مهم اقتصادی) مطابق با سند چشم‌انداز برساند.

بر این اساس، به نظر می‌رسد که تغییر نگرش سیاست‌گذاران در سیاست خارجی و برنامه‌ریزان کلان کشور از نگاه تردیدآمیز و تهدیدآمیز بودن حوزه گردشگری به نگاه فرصت‌آفرین و توسعه‌ساز در حوزه گردشگری و انعکاس آن در برنامه‌های فرادستی و پرهیز از نگاه تقلیل‌گرایانه به گونه‌های گردشگری (ابنای تاریخی و گردشگری زیارتی) و تدوین برنامه و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف گردشگری فرهنگی، روستایی، ساحلی و دریایی، اکوتوریسم، آب درمانی، سلامت، زمستانی و... ضرورت دارد. علاوه بر آن، پرهیز از نگاه تقلیل‌گرایانه به گردشگری به‌عنوان مقوله‌ای فرهنگی و توجه خاص به ابعاد و مزایای اقتصادی و همچنین فواید سیاسی، اجتماعی و امنیتی آن می‌تواند رویکردی مناسب و راه‌گشای برای توسعه صنعت گردشگری ایران باشد. همچنین، طراحی سیاست‌گذاری جامع و مدیریت یکپارچه گردشگری و پرهیز از موازی‌کاری نهادی و پرهیز از اعمال سیاست‌های متناقض در حوزه گردشگری ضرورتی آشکار برای هموارسازی مسیر توسعه صنعت گردشگری در ایران است.

در نهایت می‌توان گفت در چند سال اخیر تلاش‌های قابل توجهی در حوزه هاس سیاست داخلی و خارجی برای افزایش گردشگران و رسیدن به اهداف سند توسعه گردشگری ۱۴۰۴ انجام پذیرفته است. راهبردهای رییس‌جمهور ایران برای افزایش چشمگیر درآمد از محل صنعت گردشگری و در زمینه سیاست خارجی اقدام دولت در زمینه صدور ویزای فرودگاهی از جمله این اقدامات است. تلاش دولت در سیاست خارجی برای کاهش تنش‌ها میان ایران و آمریکا با وجود در پیش بودن راهی طولانی برای حل مسأله هسته‌ای ایران، مسئله‌ای مهم در بحث سیاست خارجی بوده که بر جذب گردشگران موثر است.

یکی از نمونه های تاثیر گذاری سیاست خارجی بر روند جذب گردشگران را میتوان در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی و پس از مطرح شدن موضوع گفت‌وگوی تمدن‌ها نام برد که قرار گرفتن نام ایران در میان ۲۰ مقصد برتر گردشگری جهان از جمله پیامدهای سیاست خارجی درست ایران در آن زمان بود.

تغییر و تحولات در دولت ایران و تبیین اهداف صلح‌آمیز رییس‌جمهور، در کنار پیگیری جدی برای حل موضوع هسته‌ای ایران در جهان و رفع تحریم‌ها را می‌توان موثرترین عوامل در حوزه سیاست خارجی برای افزایش علاقه‌مندی گردشگران خارجی برای سفر به ایران دانست و به امن بودن ایران از نظر رسانه‌ها و سایر کشورها کمک می‌نماید. در حال حاضر نیز ناامنی و درگیری در کشورهایی را مانند مصر، سوریه، لبنان، تونس و لیبی که تا پیش از این، از جمله مقاصد مهم فرهنگی گردشگران اروپایی بودند، در ارتقای جایگاه ایران در فهرست مقاصد برتر گردشگری جهان بی‌تأثیر نیست. البته سال پیش هم این شرایط حاکم بود، یعنی درگیری‌ها در مصر، تونس و سوریه وجود داشت؛ اما گردشگران اروپایی و آمریکایی رغبتی برای سفر به ایران نشان نمی‌دادند. بنابراین تغییرات در سیاست خارجی دولت و صلح‌آمیز بودن اقدامات دولت، عاملی اثرگذارتر در این جریان می‌باشد. با توجه به موارد بیان شده میتوان سیاست خارجی را عاملی مهم و تاثیرگذار در بر روند جذب گردشگر در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ دانست که باید هر چه بیشتر از پیش سیاست‌های خارجی در راستای همکاری با سایر کشورها و افزایش مراودات گردشگری باشد. در نهایت و در بررسی پاسخ به سوال اصلی می‌توان گفت به نظر می‌رسد سیاست خارجی کشور در جذب گردشگر بر مبنای اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ مبنی بر تبدیل شدن ایران به یکی از بیست مقصد برتر جهان ناموفق بوده چرا که این سیاست در راستای اهداف گردشگری سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نبوده است که بر این اساس فرضیه اصلی تحقیق تایید می‌گردد.

پیشنهادهای زیر بر اساس یافته‌های تحقیق به دست اندرکاران و برنامه‌ریزان در سازمانهای مختلف کشور به طور کلی ارائه می‌گردد:

۱. رفع کمبود اقامتگاه مناسب برای گردشگران خارجی در شهرهای گردشگر پذیر مانند اصفهان و یزد با اتخاذ سیاست‌های درایت و حمایت‌های دولتی
۲. تلاش دولت در جهت اتخاذ سیاست‌های خارجی مثبت و سازنده در ارتباط با سایر کشورهای جهان برای جذب گردشگران دینی، سلامت و فرهنگی و تاریخی به منظور موفقیت در اجرای سند ۱۴۰۴ گردشگری
۳. الگوبرداری وزارت امور خارجه از سیاست خارجی کشورهای موفق در جذب گردشگر به منظور ایجاد توسعه پایداری گردشگری و دست‌یابی به پایگاه امن گردشگری در جهان
۴. ایجاد امکانات و خدمات خاص و ویژه برای گردشگران خارجی و تامین شرکت‌های حمل و نقل گردشگری با حمایت‌های دولتی و بخش خصوصی از سازمان میراث فرهنگی به منظور توسعه جذب گردشگر در کشور
۵. اتخاذ سیاست‌های خارجی و داخلی صحیح در حوزه تسهیل صدور ویزا و حمایت از سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های ایران و سایر کشورها در ایران و سهولت انگشت‌نگاری و ارائه بیشتر ویزای فرودگاهی برای جذب گردشگران
۶. نتایج تحقیق به نهادها و ارگانهای مرتبط مانند وزارت امور خارجه، وزارت کشور سازمان میراث فرهنگی جهت هر گونه بهره‌برداری به منظور برنامه‌ریزی دقیق‌تر برای جذب گردشگران در راستای سند ۱۴۰۴ ارسال گردد.

#### منابع

- الوانی، سید مهدی، پیروزیخت، معصومه (۱۳۸۵)، فرایند مدیریت جهانگردی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- الوانی، سید مهدی، دهشتی، زهره (۱۳۷۳)، اصول و مبانی جهانگردی، تهران: مطالعات ایرانگردی و جهانگردی.
- اندی درام، آلن مور (۱۳۸۸)، مقدمه ای بر برنامه ریزی و مدیریت اکوتوریسم، ترجمه محسن رنجبر، تهران: انتشارات آبیژ.
- ای.دی. دواس (۱۳۸۱)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- پوررستمی، مجتبی (۱۳۸۴)، ساماندهی صنعت توریسم در شهرهای متوسط، نمونه موردی تنکابن، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز.
- پیترمیسون (۱۳۸۷)، گردشگری اثرات، برنامه ریزی و مدیریت، ترجمه روزبه میرزایی و پونه ترابیان، تهران: انتشارات ترمه.
- چاک. وای.گی (۱۳۸۵)، جهانگردی در چشم انداز جامع، ترجمه علی پارساییان و سید محمد اعرابی، تهران: فتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۷) مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت.
- حیدری چیانه، رحیم (۱۳۸۳)، ارزیابی برنامه ریزی صنعت توریسم در ایران، پایان نامه دکتری، دانشگاه تبریز.
- حیدری چیانه، رحیم (۱۳۸۷)، مبانی برنامه ریزی صنعت گردشگری، تهران: انتشارات سمت.
- خاکساری، علی (۱۳۸۲)، نقش برنامه ریزی در توسعه گردشگری پایدار، سمینار بررسی سیاستها و برنامه های توسعه جهانگردی در جمهوری اسلامی ایران، سازمان ایرانگردی و جهانگردی.
- درام، اندی و آلن مور (۱۳۸۸)، مقدمه ای بر برنامه ریزی و مدیریت اکوتوریسم، ترجمه محسن رنجبر، تهران: انتشارات آبیژ.
- دهستانی، بهبود (۱۳۸۳)، برنامه ریزی کالبدی گردشگری (مطالعه موردی: شهرستان آستارا)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- سجادی، سید محمدتقی (۱۳۸۴)، تاریخ و جغرافیای تاریخی رامسر، تهران: انتشارات معین.
- طیبی، سیدکامیل، بابکی، روح اله، جباری، امیر (۱۳۸۶)، بررسی رابطه ی توسعه ی گردشگری و رشد اقتصادی در ایران (۱۳۳۸-۱۳۸۳)، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی ویژه اقتصاد، سال هفتم، شماره بیست و ششم، پاییز ۸۶، صص ۸۷-۶۵.
- عبدالملکی، علیرضا (۱۳۷۸)، بررسی عوامل و جاذبه های گردشگری شهر همدان و نقش آن در تحولات این شهر، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- معصومی، مسعود (۱۳۸۵)، ماهیت گردشگری، تهران: انتشارات پیک کوثر.
- موحد، علی (۱۳۸۲)، بررسی و تحلیل الگوی فضایی توریسم شهری، مطالعه موردی: شهر اصفهان، پایان نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- مهدوی، داوود (۱۳۸۲)، نقش توریسم در توسعه نواحی روستایی پیرامون شهرها و ارائه مدل استراتژیک (نمونه موردی: دهستان لواسان کوچک)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.



- نسترن، مهین، ابوالحسنی، فرحناز، ایزدی، ملیحه (۱۳۸۹)، کاربرد تکنیک تاپسیس در تحلیل و اولویت بندی توسعه پایدار مناطق شهری، مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، سال ۲۱، شماره پیاپی ۳۸، صص ۸۳-۱۰۰.
- Beladi, H; Chi-Chur Chao, Bharat R. Hazari, Jean-Pierre Laffargue, (2009), *Tourism and the environment, Resource and Energy Economics* 31 (2009) 39–49, www.elsevier.com.
- Burton, R (2000) *Rural Geography*, Longman. Edinburg.
- Bussaba sitikarn (2002) *Tourism impacts: Key concerns for Sustainability Achivement*. School of Management, Mae Fah Luang university. bussaba@mfu.ac.th.
- Cevat, T (2001) *Challenge of sustainable tourism development in the developing world: the case of Turkey*, *Tourism Management* 22 (2001) 289-303, Received 4 April 1999; accepted 6 June 2000.
- Craig-Smith and Stephen, J. (2005) *Global warming and tourism in Oceania*, in Cooper and Hall, *Oceania, a Tourism Handbook*, Channel View Publications, Clevedon, England.
- Goodwin, H (1995) "Tourism and the environment", *Biologist* (London) 1995 Vol.42 No. 3 pp. 129-133, ISSN 0006-3347.
- Holden, A (2001) *Environment and Tourism*, Routledge, London and New York.
- Xiong Y, Guang Z-Ming, Chen Gui-Qiu, Tang Lin, Wang Ke-Lin, Huang Dao-You (2007) *Combining AHP with GIS in synthetic evaluation of eco-environment quality A case study of Hunan Province, China*, *ECOLOGICAL MOELING* 209(2007)97-109, www.sciencedirect.com.
- Xuling L; Zhaoping Y; Feng DI and Xuegang, C (2009) *Evaluation on Tourism Ecological Security in Nature Heritage Sites —Case of Kanas Nature Reserve of Xinjiang, China*. *Chin. Geogra. Sci.* 2009 19(3) 265–273 DOI: 10.1007/s11769-009-0265-z www.springerlink.com.
- Zhang, H (2000) *The Sustainable Development of Tourism in Lijiang*- Science & Technology; zhanghong136@hotmail.com.
- ZHUNG Y, PENC H (2002) *Study on function of components of dynamic system of tourism development in developed region (a case study of foshan in Guangdong province)*. *Chinese Geographical science*. Vol: 12, No 3, pp226-232. Science press, Beijing, China.